

## طاعون‌زدگی شام در تمدن اسلامی (از ابتدا تا پایان دوره امویان)

زینب کریمی<sup>۱\*</sup>، شکراله خاکرند<sup>۲</sup>، معصومه دهقان<sup>۳</sup>

۱. عضو هیات علمی و استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. عضو هیات علمی و دانشیار بخش تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۳. عضو هیات علمی و دانشیار بخش تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

### چکیده

ش یوع بیماری‌های همه‌گیر در گستره‌ی تمدن اسلامی، همواره یکی از مسائل مهم بوده است. سابقه‌ی تاریخی بیماری همه‌گیر طاعون به دوران باستان می‌رسد. ش یوع بیماری طاعون، معروف به طاعون ژوسستینین، در اواخر دوره‌ی باستان و انتقال آن به دوره‌ی اسلامی، مسلمانان را در سرزمین‌های فتح‌شده با مسائل جدید مواجه ساخت؛ از این رو، طاعون از مهلک‌ترین بیماری‌های مسری در گستره‌ی جغرافیای تمدن اسلامی بوده که در قرون اولیه‌ی اسلامی، آس‌یب‌هایی به بدنه‌ی ساختار اجتماعی، اقتصادی و حتی فکری و فرهنگی جامعه‌ی اسلامی وارد کرده است. سرزمین شام از طاعون‌خیزترین مناطق تمدن اسلامی بوده که به‌صورت مکرر و پی‌درپی درگیر این بیماری شده و آس‌یب‌های فراوانی را تجربه کرده است. این پژوهش به‌ررسی طاعون در منطقه‌ی شام در دوره‌ی امویان (۴۱ تا ۱۳۲ ه.ق/۶۶۱ تا ۷۴۹ م) پرداخته؛ همچنین، دلایل وقوع آن و باورهای پیرامون طاعون را در این منطقه بررسی کرده است. بررسی‌های این تحقیق نشان داد، موقعیت جغرافیای شام، مدیترانه‌ای بودن آب‌وهوای آن و قرارگرفتن سرزمین شام در مسیر راه‌های تجاری و آمدوشده‌های حاصل از آن در وقوع و گسترش طاعون اثرگذار بوده است. وقوع طاعون در جهان‌بینی مسلمانان نیز، آثاری مهم و شایان توجه داشته است؛ به‌طوری‌که آنان طاعون را نه یک بیماری همه‌گیر، بلکه نتیجه‌ی رحمت یا عذاب الهی می‌پنداشتند.

**واژگان کلیدی:** امویان، بیماری‌های واگیردار، تمدن اسلامی، شام، طاعون، عمواس.

تاریخ دریافت: 1401/04/07

تاریخ پذیرش: 1402/11/02

تاریخ انتشار: 1402/12/29

\* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

زینب کریمی

آدرس: بزرگراه شهید همت (غرب)، دهکده

المپیک، میدان ورزش، دانشکده الهیات و معارف

اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

کد پستی: 1489684511

تلفن: 02148390000

Email: [zeinabkarimi@atu.ac.ir](mailto:zeinabkarimi@atu.ac.ir)

## مقدمه

طاعون یکی از بیماری‌های همه‌گیر در تاریخ بشر است که سابقه طولانی در تمدن جهان و تمدن اسلامی دارد. طاعون در محدوده سرزمین‌های اسلامی بیشتر در منطقه شام رخ می‌داده است. در این منطقه طاعون‌های پی‌درپی در فواصل زمانی کوتاه رخ می‌داد که سبب آسیب‌های مختلف به پیکره تمدن اسلامی می‌گردید. چرایی بروز طاعون‌های مکرر، کیفیت آن در منطقه شام و عکس‌العمل‌ها نسبت به شیوه همه‌گیری مسئله اصلی این پژوهش است. روش پاسخ به این سؤال، بررسی منابع دست‌اول تاریخی و تأکید بر کلیدواژه طاعون و بیماری‌های همه‌گیر در رخدادهای ذکر شده در منابع و تحلیل مباحث پیرامون آن بوده است. مفروضات این پژوهش بر آن است که سرزمین شام به سبب موقعیت جغرافیایی، قرارگیری در مسیرهای تجاری، محل رفت‌وآمد گروه‌های مختلف بوده است؛ بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده و تحلیل آن‌ها این عوامل در بروز طاعون‌های مکرر در منطقه شام مؤثر بوده است. برخی از طاعون‌های این سرزمین مانند طاعون عمواس در تاریخ اسلام معروف است. اولین سلسله از دوره اسلامی شام توسط امویان به مرکزیت دمشق ایجاد شد از این حیث بروز طاعون در سرزمین شام در بستر تاریخی دوره اموی مورد توجه قرار گرفته است. حکومت امویان یا بنی‌امیه (به مناسبت نام جدشان امیه) (حک: ۴۱ - ۱۳۲ ه.ق / ۶۶۱ - ۷۴۹ م) سلسله‌ای است که توسط معاویه بن ابی‌سفیان به مرکزیت دمشق شکل گرفت. خلفای اموی چهارده تن بوده و ۹۱ سال حکومت کرده‌اند. بنی‌امیه به دو شاخه تقسیم می‌شوند: آل‌سفیان یعنی معاویه بن ابوسفیان و پسرش یزید و نواده‌اش معاویه دوم (سال

## پیام‌های کلیدی

- سرزمین شام یا شامات نقش واسطه‌ای و تجاری را در گستره‌ی جهان اسلام و روزگار کهن قبل از اسلام ایفا می‌کرد.
- جابجایی اقوام و تبادلات سرزمینی از دیرباز این سرزمین را مستعد همه‌گیری بیماری‌های مسری می‌کرد.
- طاعون به‌عنوان یکی از بیماری‌های باکتریال با شیوع بسیار زیاد در این سرزمین همه‌گیری‌های متعددی را رغم زده است.
- این مقاله با بررسی علل شیوع بیماری طاعون در این سرزمین به نقش مبادلات انسانی در همه‌گیری این بیماری در تاریخ اسلام پرداخته است
- امروزه همه‌گیری بیماری‌ها و تأثیر قرنطینه و کنترل مبادلات انسانی در پیشگیری از بیماری‌های واگیر بسیار حائز اهمیت است.

۴۱ تا ۶۴ ه.ق) و شاخه دیگری شاخه آل مروان (ز سال ۶۴ تا ۱۳۲ ه.ق) یعنی مروان بن حکم و فرزندان او را شامل می‌شود. مهمترین ویژگی امویان تحول در نظام سیاسی و ایجاد نظام پادشاهی و موروثی در تمدن اسلامی بود که با ساختار اجتماعی متوازن نبود و به تدریج سبب از میان رفتن انسجام و منجر به ضعف و فروپاشی دولت امویان شد و نهایتاً امویان توسط

عباسیان در سال ۱۳۲ه.ق/۷۴۹م از بین رفت. درباره اهمیت و ضرورت این پژوهش باید گفت، در سرزمین‌های حوزه دریای مدیترانه، شیوع مکرر بیماری طاعون سبب تلفات زیادی شده و پیامدهای گسترده ناشی از آن، نه تنها بر حوزه تمدنی سرزمین شام؛ بلکه بر پیکره تمدن اسلامی اثر - گذار بوده است. از این رو شناخت تاریخی بیماری طاعون، ابعاد اثرگذاری همه‌گیری این بیماری، نحوه برخورد با آن و پیامدهای ناشی از سیاست دولت‌ها در جامعه در شناخت تاریخ اجتماعی این قرون مؤثر بوده است. از نظر کاربست عملی نیز با وجود توسعه علم و دانش می‌تواند در ارائه راهکارهای مقابله و برخورد با همه‌گیری‌ها مؤثر باشد؛ زیرا تجربیات تاریخی همواره می‌توانند راهگشا باشند.

درباره طاعون در تمدن اسلامی کتاب‌ها و مقالاتی چند منتشر شده است؛ از جمله کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» اثر مایکل والتر دالس<sup>۱</sup> که به بررسی طاعون در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی در خاورمیانه اسلامی پرداخته است. مقالاتی نیز در این حوزه منتشر شده است. به عنوان مثال؛ جلادت و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تشخیص، درمان و گزارش‌های همه‌گیری‌های طاعون در دوران تمدن اسلامی»، طاعون را در منابع و متون اسلامی بررسی کرده و جز اشاره‌ای کوتاه به طاعون در قرون نخستین اسلامی، به مباحثی چون خوراکی‌های ضد طاعون، طاعون در قرون میانه و دلایل همه‌گیری طاعون در متون پزشکی اسلامی پرداخته است (۱).

زارع و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان: «طاعون در طب سنتی ایران و طب نوین» به مباحثی چون مصرف مواد

غذایی ضد طاعون در طب سنتی و منابع طب سنتی ایران، دلایل بروز طاعون در طب سنتی ایران، طبقه‌بندی طاعون روش‌های مقابله با این بیماری از قبیل حفظ صحت، به‌وسیله داروها، مواد غذایی و گیاهان دارویی در طب سنتی پرداخته است (۲). این مقاله اشاره به طاعون در تمدن اسلامی یا سرزمین شام ندارد. فضلی‌نژاد (۱۴۰۰) در مقاله «همه‌گیری‌های طاعون در مدیترانه شرقی و بازتاب آن در تاریخ‌نگاری و مباحث فکری مسلمانان در اوایل دوره اسلامی» به پیشینه شیوع طاعون در دوره باستان و در دو امپراتوری روم و ایران و انتقال آن به دوره اسلامی و چگونگی شیوع ادامه‌دار بیماری طاعون در بخشی از تاریخ و جغرافیای جهان اسلام و بازتاب آن در تاریخ‌نگاری مسلمانان پرداخته است (۳). جستجوی نگارندگان در پژوهش‌ها نشان داد اثر مستقل و تخصصی در حوزه طاعون‌شناسی سرزمین شام در دوره امویان و قرون اولیه اسلامی صورت نگرفته است.

## روش کار

درباره طاعون در تمدن اسلامی کتاب‌ها و مقالاتی چند منتشر شده است؛ از جمله کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» اثر مایکل والتر دالس<sup>۱</sup> که به بررسی طاعون در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی در خاورمیانه اسلامی پرداخته است. مقالاتی نیز در این حوزه منتشر شده است. به عنوان مثال؛ جلادت و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «تشخیص، درمان و گزارش‌های همه‌گیری‌های طاعون در دوران تمدن اسلامی»، طاعون را در منابع و متون اسلامی بررسی کرده و جز اشاره‌ای کوتاه به طاعون در قرون نخستین اسلامی، به مباحثی چون خوراکی‌های ضد طاعون، طاعون در قرون میانه و دلایل همه‌گیری طاعون در متون پزشکی اسلامی پرداخته است (۱).

زارع و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان: «طاعون در طب سنتی ایران و طب نوین» به مباحثی چون مصرف مواد

در این پژوهش سعی شده است با روشی منظم و منطقی، اطلاعات توصیفی موجود در کتاب‌ها، منابع تاریخی و طبی قرون اولیه هجری، در قالبی مشخص، مورد بررسی قرار گیرد و تصویری منسجم از بیماری همه‌گیر طاعون در این دوره تاریخی در سرزمین شام ارائه گردد. با توجه به نوع پژوهش و منابع استفاده‌شده، روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای بوده است. ابتدا منابع مربوط به تمدن اسلامی مطالعه قرار گرفته‌اند و سپس مطالب مربوط به بیماری طاعون گردآوری شده و سپس به دسته‌بندی مطالب و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. همچنین

1. Dols, Michael Walters

در سراسر غرب شام امتداد دارد و در گذشته مانعی برای نفوذ دشمن بود و همواره در معرض حمله غافلگیرانه کشتی‌های دولت‌ها بود. از گذشته تاکنون دریای مدیترانه عامل مهمی برای انتخاب شغل کشتیرانی از سوی ساکنان سواحل دریایی آن سرزمین و رونق بازرگانی دریایی بوده است.

شام در آستانه فتوحات مسلمانان جزئی از امپراتوری روم بود اما با امپراتوری رابطه مساعدی نداشت و درگیر مسائل و مشکلات داخلی زیادی بود؛ از قبیل اختلافات مذهبی، کاهش رفاه عمومی جامعه به سبب بروز جنگ‌های متعدد در این ناحیه، شیوع بیماری‌های واگیردار مهلکی چون طاعون (۶)، و پیش‌تر از آن درگیری‌های طولانی امپراتوری روم با امپراتوری ساسانی در منطقه شام (۷). بدین سبب شام توانایی مقابله با فاتحان مسلمان را نداشت.

شام قبل از فتوحات مسلمانان شامل مناطق: قدس، طبریه، دمشق، حمص و حلب بود. ولی در دوران اسلامی به پنج بخش فلسطین، اردن، دمشق، حمص و قنسرین تقسیم گردید که هرکدام شامل شهری‌های زیادی می‌شدند (۸).

در سال چهاردهم هجری، فاتحان مسلمان با اهالی شام صلح کردند و در آن صلح‌نامه، جان و مال و کلیساهای دمشق در امان ماند. مقرر شد فاتحان در خانه‌های مردمان دمشق سکونت نکنند و در مقابل آن، اهالی می‌باید دیناری و جریبی، گندم، سرکه و روغن برای قوت مسلمین به‌عنوان جزیه ادا کنند، و مبلغ صد هزار درهم به‌صورت «مال المصالحه» بدهند (۹). بدین ترتیب شام جزء قلمرو تمدن اسلامی قرار گرفت.

در پایگاه‌های داده داخلی چون: بانک اطلاعات نشریات کشور<sup>۱</sup>، پایگاه مجلات تخصصی نور<sup>۲</sup> پایگاه مقالات مجلات علمی و پژوهشی داخل کشور<sup>۳</sup>، پرتال جامع علوم انسانی و کتابخانه دیجیتال نور<sup>۴</sup> و در پایگاه‌های داده خارجی مانند PubMed, Google Scholar کلیدواژه‌های چون، Amvas, plague, sham, Damascus, Islamic civilization, Epidemic, contagious diseases مورد جستجو قرار گرفته است و اطلاعات مرتبط با موضوع جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است. درنهایت با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده مقاله نوشته‌شده است.

## بحث

### موقعیت و جغرافیایی سرزمین شام در تمدن

#### اسلامی (دو قرن اول هجری قمری)

ناحیه شامات سرزمینی سرسبز بوده و به همین دلیل از دور به رنگ خال‌های سیاه (شامه) دیده می‌شود. شام نام قدیم سوریه بوده و همراه با اردن، فلسطین و لبنان؛ شامات نامیده شده است. این منطقه به سبب موقعیت مناسب جغرافیایی و قرار داشتن در مسیر تجارت، آب‌وهوای مناسب و زمین‌های حاصلخیز از روزگار کهن محل سکونت اقوام مختلف بوده است (۴). سوریه یا شام با وسعتی تقریباً ۵۰۰/۱۸۴ کیلومترمربع، در جنوب غربی آسیا قرار دارد و قاره آسیا و آفریقا را به هم متصل کرده است. آب‌وهوای نواحی ساحلی، مدیترانه‌ای است و آنجا غلات، مو و درختان میوه کشت می‌شود. به سمت مشرق مقدار بارندگی کم، بیابان‌ها بیشتر و ساکنان نواحی اندک‌تر است و به پرورش حیوانات و گله‌داری اشتغال دارند (۵). دریای مدیترانه

3. SID  
4. Noorlib

1. Magiran  
2. Noormags

خواهند بود» (۱۴). از میزان شیوع و گسترش بیماری وبا و موارد پاندمی‌ها و همه‌گیری‌های این بیماری قبل از قرن نوزدهم میلادی و از میزان اثربخشی و درمان این بیماری اطلاعات دقیقی وجود ندارد. تصور می‌شد وبا و طاعون بیشتر در مناطق مرطوب که رطوبت سبب تعفن هوا می‌شود، بیشتر بروز می‌کند. وجود مسیر تجاری و کانال‌های عبور مردمان نواحی؛ منجر به سهولت سرایت می‌شده است.

طاعون نیز از کهن‌ترین بیماری‌های مسری در جهان است؛ که سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد. این بیماری یک بیماری باکتریال<sup>۲</sup> است و عامل آن باکتری به نام یرسینیا پستیس<sup>۳</sup> است؛ که از راه کک‌های بدن موش‌های مبتلابه طاعون به انسان سرایت می‌کند. موش‌های صحرائی را مهم‌ترین عالم انتقال می‌دانند؛ که کک با گاز گرفتن موش‌ها و انسان سبب انتقال طاعون می‌شود. همچنین خوردن جانداران مبتلابه طاعون و تنفس هوای طاعون‌زده سبب انتقال می‌شود. از علائم این بیماری، سردرد، لرز شدید، تب، تورم کبد و طحال و التهاب غدد لنفاوی، سرگیجه است. این بیماری سه شکل دارد. گونه خیارکی، ریوی و سپتی سمیک<sup>۴</sup> یا گندخونی. در طاعون خیارکی غدد لنفاوی در ناحیه کشاله ران، زیر بغل و گردن متورم شده سبب چرکی و خیارک شده. در گونه سپتی سمیک که طاعون سیاه هم گفته می‌شود علاوه بر عارضه‌های گفته شده، سبب اختلالات روانی، و خون‌ریزی داخلی نیز می‌شود (۱۵). طاعون به سبب ایجاد ورم‌های دردناک و چرکی در نواحی گفته شده سبب فساد، تغییر رنگ موضع و انتشار آن به سمت قلب می‌شود. قلب آسیب‌پذیرترین عضو در مقابل طاعون است

## نگاهی گذرا به شناخت بیماری‌های واگیر در تاریخ

### بشری

وقوع بیماری‌های همه‌گیر پدیده‌ای تازه و محصول دوران جدید نیست بلکه سابقه‌ای طولانی در تاریخ داشته است. تغییر سبک زندگی از شکار به کشاورزی و شکل‌گیری اجتماعات و مراکز شهری منجر به افزایش شیوع بیماری‌های همه‌گیر شد. شیوع مداوم بیماری‌ها جوامع انسانی را تحت تأثیر قرارداد (۱۰). در جوامع اسلامی بیماری‌های همه‌گیری چون وبا، سل، جذام و طاعون شایع‌ترین بیماری‌ها بوده‌اند. وبا از جمله بیماری‌های مهلک و همه‌گیر در تاریخ بوده است که از طریق مصرف آب و غذای آلوده گسترش یافته و انتقال آن از طریق آب، غذا و دست‌ان آلوده است (۱۱). در طول تاریخ بیماری‌های واگیرداری که در شدت فراگیری و تلفات مشابه هم بودند، وبا و طاعون پنداشته می‌شدند (۱۲).

گزارش‌های متعددی از بیماری‌های چون وبا و طاعون در کتب مورخین ذکر شده که در موارد زیادی چون مهلک بودن، مسری بودن و تلفات فراوان وجه اشتراک داشتند. دکتر طولوزان<sup>۱</sup> در این باره می‌گوید: «در تصنیفات اطباء عرب و عجم لفظ وبا شامل همه امراض عامه وبائی است» (۱۳). گاهی در طبابت بومی، طاعون قسمتی از وبا تلقی می‌شد و حتی وبا طاعون خوانده می‌شد. همچنین، بروز طاعون را به هوایی وبایی نسبت می‌دادند. ساوچی در دستورالطباء در این باره می‌گوید: «پس وبا اصطلاح طبی مردن خلق کثیری در وقت به خصوصی به هر مرضی که باشد و طاعون و آبله و حصبه از اقسام وبا

1. Tholozan
2. Bacterial

3. Yersinia pestis
4. septisemic

و اگر این ناحیه درگیر شود سریع تر باعث مرگ و میر می شود (۱۶).

طاعون در منابع و متون اسلامی، دارای ریشه‌ای عربی از ریشه «طعن» دانسته شده؛ این نام‌گذاری نشان‌دهنده سابقه طولانی این بیماری در تمدن اسلامی و عمدتاً عربی است. واژه طعن به معنای «نیزه زدن» و محل «زخم نیزه» است (۱). در منابع طبیبی اسلامی طاعون به ورم‌های سوزناکی گفته می‌شود که در مفرغه‌های بدن از قبیل کشاله ران، زیر بغل و پس‌گوش ایجاد می‌شود (۱۷) که «سبب تغییر رنگ موضع و فساد آن و سپس منتشر شدن آن به سوی قلب می‌شود که در این مورد مرگ‌آور است» (۱۶) ابن‌سینا طاعون را ورم باقله‌ای شکل و همه‌گیر در محیط‌های آلوده می‌دانست (۱۸).

#### سابقه تاریخی طاعون در شام

سابقه طاعون در سرزمین شام به دوران قبل از اسلام بازمی‌گردد. در آستانه ظهور اسلام در مناطقی از ایران، عراق و فلسطین و نواحی اطراف آن طاعونی بزرگ رخ داد که به طاعون شیرویه معروف شد؛ زیرا مرگ این پادشاه بر اثر این طاعون بود (۱۹). طاعون شیرویه را ناشی از گسترش طاعون ژوستی-نین (۵۶۵-۵۲۷ م) (به دلیل شیوع در عصر امپراتور ژوستی‌نین به این نام معروف شد) دانسته‌اند. همان‌طور که اشاره شد سبب مرگ پادشاه ایران شیرویه یا قباد دوم (حک ۵۹۰-۶۲۸ م) این همه‌گیری بود (۲۰). بین طاعون ژوستی‌نین و شیرویه (حک ۵۴۱ تا ۶۲۸ م) چندین مرحله شیوع طاعون بزرگ رخ داده است. به‌طوری‌که در سال‌های ۵۵۸-۵۷۷ م طاعونی بزرگ در سوریه، قسطنطنیه و قلمرو بیزانس در آسیای صغیر، کیلیکیه و

بین‌النهرین رخ داد.

در سال ۵۹۹-۶۰۰ م هم قسطنطنیه، غرب آسیای صغیر، سوریه، مدیترانه شرقی، شمال آفریقا، ایتالیا و جنوب فرانسه درگیر طاعون شد (۲۱). منشاء طاعون ژوستی‌نین را شمال آفریقا می‌دانند که از آنجا به مناطق مختلف جهان سرایت یافت. طبق گزارش پروکوپئوس<sup>۲</sup> طاعون در سال ۵۴۲ م. در قسطنطنیه شیوع یافت و در طول چند ماه سراسر آسیای صغیر، بین-النهرین و بخش‌های زیادی از فلسطین و سوریه را در بر گرفت (۲۲). در برخی از منابع درباره وضعیت فلسطین آمده است که کل جمعیت شهر و بسیاری از حیوانات اهلی نیز از بین رفتند (۲۳). طاعون‌زدگی شام در این زمان آثار و تبعات بسیار داشت و سبب شد امواج سرایت طاعون‌های ناشی از آن تا مدت‌ها مناطقی از ایران تا مدیترانه شرقی و شمال آفریقا را در برگیرد (۳).

#### سرزمین شام مرکز گسترش طاعون در قرون اولیه

##### اسلامی

در دوره اسلامی اولین طاعون معروف و مهلک منطقه شام به طاعون عمواس معروف بود که در سال ۱۸ ه.ق/۶۳۹ م در دوران خلافت عمر رخ داد. برخی منابع این احتمال را می‌دهند که طاعون عمواس نام دیگر طاعون شیرویه باشد زیرا طاعون شیرویه امتداد داشت و تا اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی با گستردگی شیوع همراه بود (۲۴). در منطقه عمواس عده زیادی کشته شده و برخی از منابع شمار کشته‌های این بیماری را بیست و پنج هزار نفر (۲۵)؛ و در منابعی تا سی هزار نفر (۲۶) ذکر کرده‌اند. دلیل نام‌گذاری این طاعون به عمواس

2. Procopius

1. Justinian

می‌شود، قابل‌سرایت است و ترک محل و سرزمین طاعون‌زده را سفارش کرده‌اند (۳۰). در سرزمین‌های ساحلی نزدیک به مناطق گرم و خشک که رطوبت هوا بالا می‌رود امکان سرایت طاعون بیشتر است در این مورد اطبا توصیه کرده‌اند بستر بیمار از یخ، برگ بید، بنفشه و گل محمدی انباشته باشد تا امکان سرایت کاهش یابد (۱۷). همان‌طور که در طاعون عمواس چنین شد؛ به‌طوری‌که در روایتی آمده است: «در سال وقوع طاعون، عمر (خلیفه) به فرمانده سپاه مسلمان در شام یعنی ابوعبیده جراح نامه نوشت و از او خواسته است بدون توقف حرکت کند تا به این صورت از بیماری ویا (طاعون) دور شوند. هرچند ابوعبیده (فرمانده سپاه) دور شدن از محل طاعون‌زده را برخلاف قضا و قدر الهی دانسته است و از خلیفه درخواست کرده است او را معاف کند و بگذارد در سرزمین شام منتظر قضا و قدر الهی باشد. ابوعبیده طبق نامه عمر از همراهان خود می‌خواهد که در جستجوی مکانی بلند و دور باشند» (۱۹). ابوعبیده جراح سرانجام به طاعون مبتلا شده و درگذشت (۱۹).

این گزارش نشان می‌دهد در طاعون عمواس نیز راهکار دوری از محل را ارائه می‌دادند. رفتن به بیابان‌ها و کوه‌ها توصیه شده و برخی از مردم این توصیه را نادیده گرفته و اصرار بر ماندن در محل خود داشتند. نتیجه این تفکر و اینکه «هر چه خدا بخواهد» و جدی نگرفتن این توصیه‌ها، سبب افزایش میزان مرگ‌ومیر ناشی از عمواس شد؛ به‌طوری‌که ابن‌سعد از شخصی به نام ابو وائله یاد کرده است که به دستور دوری از محل توجه نکرده و خود و ده فرزندش در عمواس کشته شدند (۲۹). این روایت نشان می‌دهد که بینش رحمت الهی انگاشتن طاعون، همگانی نبوده است؛ بلکه نشان می‌دهد وقتی غلبه طاعون دیده شد بر دوری از مکان طاعون‌زده اصرار شده است.

این است که برای اولین بار علائم شیوع این بیماری در شهر عمواس میان فلسطین و رمله دیده شد؛ سپس به شام و دمشق و دیگر نقاط کشیده شد.

تعداد فوتی‌های طاعون عمواس در منابع فراوان ذکر شده است و بسیاری از صحابه و فاتحان بزرگ اسلامی در اثر ابتلا به این بیماری درگذشتند. از قبیل: ابوعبیده جراح که فرمانده فتوحات شام در زمان خلافت عمر بود، معاذ بن جبل جانشین فرمانده جراح، یزید بن ابی‌سفیان، عتبه بن سهیل، سهیل بن عمرو، فضل بن عباس. پسر عموی رسول‌الله (ص) که همه از فرماندهان فتوحات شام بودند و سهیل بن عمر بن عبدالشمس معروف به ابا یزید، یحیی بن بکیر و شرحبیل بن حسنه از والیان شام (۲۷)، همگی در طاعون عمواس درگذشتند. همچنین آمده است هشتاد نفر از قریش برای تجارت از شهر خودشان بیرون رفته بودند که همگی بر اثر طاعون کشته شدند (۲۸).

عمواس، اثرات، آسیب‌ها و تبعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی دامنه‌داری نیز در پی داشت. به دلیل وقوع عمواس در منطقه شام بر حرکت سپاهیان مسلمانان تاثیر گذاشت و کند شدن و انفعال نیروهای مسلمان را به دنبال داشت و این انفعال به تدریج سبب شد نیروهای دشمن (امپراتوری بیزانس) به تدابیر جبران‌کننده و تقویت حالت دفاعی بپردازد؛ و حتی درصدد ضد حمله به مسلمانان برآمدند. (۲۷) عمواس همچنین سبب بروز خشک‌سالی، قحطی، گرانی و فشار اقتصادی شدید در ممالک اسلامی شد؛ به‌طوری‌که تا نه ماه مردم شامات گرفتار تبعات سخت بودند (۲۹)

دوری کردن از مکان طاعون‌زده از جمله راهکارهایی بود که برای پیشگیری از سرایت گسترده طاعون عمواس توصیه گردید؛ از نظر حکمای ایرانی نیز طاعون بر اثر تغییر و تعفن هوا ایجاد

از طاعون در سال ۱۰۷ ه.ق. نیز در شام وجود دارد (۲۷). همچنین در سال ۱۲۷ ه.ق طاعون «غراب» رخ داد. غراب نام اولین قربانی این طاعون از قبیله رباب بود. گفته شده است خلیفه اموی ولید بن یزید بن عبدالملک نیز بر اثر این طاعون در گذشته است (۳۲). گزارشی از طاعون در سال ۱۳۵ ه.ق آمده است که سبب خسارت‌ها و آسیب‌های فراوان شده است (۳۲).

منابع طبیبی و تاریخ پزشکی طاعون را بیماری دردناک توصیف کرده‌اند. طاعون‌های پی‌درپی در این منطقه رخ داده است؛ یعنی این طاعون تمام نشده طاعون دیگری رخ داده و همین مصائب آن را در منابع دوره اسلامی بیشتر نمایان کرده است. وقوع طاعون در منابع از عیب‌های منطقه شام و شهر دمشق توصیف شده است (۳۴، ۳۵). گستردگی طاعون در متون دینی نیز آمده است؛ به طوری که در قرآن کریم هر چند به‌صراحت به بیماری‌های واگیردار اشاره نشده است؛ اما در چند مورد، در تفسیر آیات، یا آیه را به بیماری واگیردار تفسیر کرده‌اند یا به بیماری‌های مسری اشاره نموده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به آیات ۲۴۳ «سوره بقره»، ۹۷ «سوره طه» و ۴۴ «سوره ص» اشاره کرد (۳۶). در تفاسیر مقصود از بیماری‌های واگیردار، طاعون است که عمدتاً در منطقه شام رخ می‌دهد است.

گزارش‌های طاعون شام در دوره‌های مختلف تاریخی ذکر شده و حتی این بیماری از دیدگاه سیاحان و سفرنامه نویسان دور نمانده است. ابن بطوطه از وقوع طاعونی گسترده و عظیم در سال ۷۴۹ ه.ق. در دمشق گزارشی ارائه داده است که پرداخت کامل به آن در محدوده زمانی این تحقیق نیست ولی این سیاح به گستردگی و مصائب طاعون در این سرزمین مطالب زیادی آورده است (۳۷). در عصر ممالیک (حک: ۷۸۴ - ۹۲۳

### پیامدهای طاعون زدگی در سرزمین شام

در شام مکرر طاعون بروز می‌کرد و در طی سالیان متعدد این منطقه شاهد بروز طاعون بوده است. در سال ۵۶۸ ه.ق طاعون در شام و بصره اتفاق افتاده است. همچنین، گزارشی از بروز طاعون در فاصله سال‌های ۷۹ تا ۱۸۰ ه.ق. در شام آمده است. بین سال‌های ۷۳ تا ۸۳ ه.ق در فاصله این سال‌ها طاعونی دیگر به نام «الفتیات» شروع شده که گستره سرزمینی آن مناطق وسیعی از جمله بصره، کوفه، واسط و شام را در بر گرفت. در دوره خلافت عبدالملک بن مروان بر شام و دمشق، و فرمانداری حجاج بن یوسف ثقفی بر بصره و کوفه، این بیماری ابتدا در میان تازه‌عروس‌ها و زنان شیوع پیدا کرد. اولین مرگ‌ومیرها و شمار زیاد کشته شدگان از میان این گروه جمعیتی گزارش شده است (۳۱). برخی منابع مرگ عبدالملک بن مروان را بر اثر این طاعون دانسته‌اند. همچنین، افراد متنفذ دیگری چون: امیه بن خالد، عبدالله بن خالد بن اُسَید، علی بن اُصمَع و صعصعُ بن حصن بر اثر این طاعون درگذشتند. این طاعون به سبب مرگ شخصیت‌های معروف از خاندان اشراف و افراد صاحب‌منصب به «طاعون الأشراف» نیز معروف گردید (۳۲). این همه‌گیری علاوه بر مرگ‌ومیر و از بین رفتن نفوس بسیار، تبعات اجتماعی و اقتصادی زیادی از قبیل آسیب‌های روحی و روانی، گران شدن اجناس و احتکار و کمبود مواد غذایی در پی داشت و به تجارت و کسب‌وکار صدماتی وارد کرد.

از وقوع طاعون در دوره خلافت هشام بن عبدالملک نیز گزارشی آمده است که گستردگی آن سبب از بین رفتن مردم و چهارپایان بسیاری شده است (۳۳). در فاصله سال‌های ۱۱۵ تا ۱۱۶ ه.ق نیز گزارش‌هایی از طاعون در شام آمده است. گزارشی

مسلمان بنا به دلایلی چون افتخار به فتح و ظفر، علاقه برای دستیابی به سرزمین‌های جدید، غنائم ناشی از آنان، نیازی به ترک این سرزمین‌ها نمی‌دیدند (۳) نگرانی خلیفه دوم بی‌دلیل نبود زیرا طاعون بسیاری از مناطق شامات چون فلسطین را در بر گرفته بود و میزان تلفات سپاهیان به حدی بود که نزدیک بود فاتحان متصرفات خود را از دست بدهند. شیوع طولانی‌مدت بیماری منجر به تبعات طولانی‌تری گردید (۱۹).

شهرهای ساحلی به‌مراتب بیشتر در معرض بروز طاعون قرار داشتند. موقعیت تجاری و اقتصادی آنان سبب رفت‌وآمد گروه‌های متعدد می‌شد؛ همین امر شیوع دامنه‌دار و طولانی طاعون را در پی می‌آورد. در مناطق ساحلی اسکندریه، دمياط، رشید در مصر و بیروت و طرابلس در شام و بندر جدّه در حجاز و دیگر مناطق ساحلی، تبعات منفی بر تجارت دریایی می‌شد و خسارت‌های مالی زیادی را بر سرمایه‌های تجاری وارد می‌کرد (۲۸).

#### عکس‌العمل‌ها نسبت به طاعون عمواس

نگرش مسلمانان پیرامون طاعون متفاوت بوده است؛ به‌طوری‌که در برخی از موارد طاعون را به‌مثابه رحمت الهی می‌انگاشتند و مرگ سپاهیان را بر اثر طاعون را نوعی پاداش خداوند به افرادی می‌دانستند که در میدان‌های جنگ به شهادت نرسیده بودند (۳). در منابع آمده است: «فردی به نام شهر بن حوشب اشعری می‌گوید: وقتی بیماری (طاعون) شدت گرفت، ابوعبیده خطاب به مردم گفت: «ای مردم، این بیماری، رحمت پروردگار شماسست و خواسته پیامبران محمد (ص) است و سبب مرگ پارسایان سلف بوده است. ابوعبیده از خدا می‌خواهد که نصیب وی را بدهد» پس از آن طاعون گرفت و بمرد؛ و معاذ بن جبل جانشین وی شد. پس از مرگ ابوعبیده معاذ جانشین وی

ه.ق / ۱۳۸۲ - ۱۵۱۷م) نیز گزارش‌هایی از وقوع طاعون در شام و دمشق آمده است؛ در سال ۶۵۶ ه.ق در زمان منصور نورالدین علی بن ایبک امیر مملوک در شام وقوع طاعون باعث گرانی، قحطی و آشوب در شام شد (۳۸). همچنین گزارش‌های از بروز طاعون در سال‌های ۸۱۲ و ۸۱۳ ه.ق. در شام و شهرهای اطراف آن یعنی حماه و طرابلس رخ داد که سبب از بین رفتن جمعیت زیادی از مردمان سرزمین شام گردید (۳۹). در سال ۹۱۹ ه.ق. طاعون در بسیاری از سرزمین‌های تمدن‌های اسلامی چون مصر، شام و حجاز، مصر و فلسطین، سبب تلفات بسیاری از مردم در مصر و شام گردید (۴۰) که نشان می‌دهد این بیماری از بیماری‌های ریشه‌دار و طولانی در این منطقه بوده است و شروع تاریخی آن با طاعون عمواس در سال ۱۸ ه.ق در حوزه تاریخ تمدن اسلامی بوده است.

از دیگر تبعات طاعون بر شام از بین رفتن مردمان، کاهش شدید جمعیت، بروز قحطی و گرسنگی ناشی از آن بود. در مصر و شام هر بار بر اثر وبا و طاعون کاهش شدید جمعیتی، قحطی و گرسنگی پیش می‌آمد. مردمان شام و مصر که اغلب کشاورز بودند آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شدند. رعایا، کشاورزان، زنان و کودکان در شمار زیاد کشته می‌شدند و روستاها خالی از جمعیت و نیروی کار می‌شد. این مسئله قحطی و فقر را به دنبال داشت. نمونه این گزارش‌ها در مورد منطقه مصر در دوره حکومت ممالیک در منابع آورده شده (۳۹ و ۲۸). از پیامدهای طاعون عمواس، تأثیر آن بر سیاست نظامی مسلمانان مانند اختلاف درباره موقعیت استقرار در سرزمین‌های فتح‌شده بود؛ زیرا خلیفه دوم درباره اسکان نیروهای مسلمان در مناطق جدید تردید داشت. با شیوع طاعون سعی شد سپاهیان از استقرار در مناطق طاعون‌زده برحذر داشته شوند؛ اما سرداران

## علل گسترش طاعون در سرزمین شام

بروز طاعون‌های مکرر دلایل مختلفی می‌تواند داشته

باشد که به مواردی اشاره می‌شود.

جنگ بیولوژیک<sup>۱</sup>: اثرات بیماری‌های مسری بر مردم و نیروهای نظامی از سال ۶۰۰ قبل از میلاد شناخته شده بود به طوری که سولون حاکم آتن در دوران باستان گیاه مسهل خربق سفید را در طی محاصره شهر کریسآبه کار گرفت (۴۵). استفاده گسترده از کثافات، اجساد و لاشه حیوانات نیز اثرات مخربی بر نیروی نظامی داشت (۴۶). در طی قرون وسطی از قربانیان بیماری‌های عفونی به عنوان سلاح استفاده می‌کردند. نمونه آن در جریان محاصره شهر کافا<sup>۳</sup> در سال ۱۳۴۶م بود که تاتارها را در پشت درهای بسته شهر گرفتار اپیدمی<sup>۴</sup> طاعون کردند (۴۷). باقی ماندن جنازه‌های کشتگان جنگ‌ها و با اجساد بیماران دفن نشده و سوزانده نشده که این مورد هم بر اساس دانش طب رایج منجر به سرایت و انتقال بیماری‌های واگیر از طریق جنازه اموات مبتلا، مطابقت داشت. در کتاب اصول طب داخلی هاریسون<sup>۵</sup> (بیماری‌های عفونی) اشاره شده است: «این طغیان‌ها (همه‌گیری‌های وبا)، اغلب به دنبال جنگ یا وقایعی که منجر به درهم ریختن زیرساخت‌ها و اصول بهداشت عمومی می‌شود، رخ می‌دهند» (۴۸). هرچند شاهد گسترده‌گی طاعون در منطقه شامات هستیم اما به نظر می‌رسد باوجود متداول بودن روش‌های بیوتروریسم<sup>۶</sup>، مسموم‌سازی، ترور، جنگ برای سرکوب مخالفان از سوی حکومت امویان؛ نمودی از جنگ بیولوژیک به وسیله گستراندن بیماری‌های

خطاب به مردم گفت: «ای مردم، این بیماری رحمت پروردگار شما است و خواسته پیمبرتان است و سبب مرگ پارسایان سلف بوده است. بدین ترتیب او نیز بهره خود را از طاعون می‌خواهد! و فرزند او عبدالرحمن بر اثر طاعون درگذشت و خود معاذ نیز بر اثر طاعون درگذشت» (۱۹). همچنین در بحارالانوار درباره معاشرت با مریضان حدیثی از امام سجاد نقل شده است که طاعون دارای منشأ الهی است و برای اهل ایمان مایه رحمت و آمرزش گناهان و برای کافران و گمراهان مایه عذاب است (۴۱). در منابع ذکر شده که در بلاد روم و عثمانی، که ثغور و عواصم سرزمین‌های مسلمین محسوب می‌شده‌اند (مرز دارالسلام و دارالکفر)، طاعون از بیماری‌های شایع بوده است و به دفعات رخ می‌داده است (۴۲). بر اساس این دیدگاه، پیدایش طاعون یک نوع تنبیه از سوی خداوند به خاطر ارتکاب به گناه دانسته شده است. این افراد می‌باید برای رفع آن توبه کنند و از کردار خویش ابراز پشیمانی کنند. بر این اساس، طاعون به خواست و اراده خدا نسبت داده شده است (۴۳) بدین وسیله نارضایتی خداوند از کردار بندگانش سبب باز شدن راه توبه به درگاه خداوند بود (۴۴). در طاعون عمواس مردمان شام بیماری را از ناحیه خداوند تلقی می‌کردند و همین تفکر، تحمل آن‌همه درد و رنج طولانی را برایشان راحت‌تر می‌کرد. این تفکر در تمامی همه‌گیری‌های طاعون در سرزمین شام پایدار ماند.

4. Epidemic  
5. Harrison's Principles of Internal Medicine  
6. Bioterrorism

1. Biological war  
2. krisa  
3. Kaffaa شهری در اوکراین کنونی

جوندگان موزی که حامل باکتری هستند، ایجاد می‌کرد. از سوی دیگر در محیط‌های معتدل و مرطوب که شرایط برای پرورش و نگهداری حیوانات اهلی مناسب است سبب آلوده شدن حیوانات اهلی به وسیله کک و موش‌ها شده و امکان انتقال طاعون به انسان ایجاد گردد (۳).

همچنین ساختار شهری مناطقی مانند شام به سبب ازدیاد جمعیت و تراکم مناطق مسکونی و ساختمان میزان آلودگی را افزایش می‌داد. وجود خانه‌های چندطبقه با دیوارهای بلند در ایجاد تعفن هوا و شیوع بیماری‌ها مؤثر بود (۵۲). جابجایی و انتقال در مناطقی چون شام که همواره محل عبور و مرور، انجام فتوحات و تجارت بود؛ سبب انتقال هر چه بیشتر بیماری‌هایی از قبیل طاعون می‌شد. بنابراین مناطق حاصلخیز و راه‌های ارتباطی خشکی و دریایی بیشتر متحمل تلفات طاعون شدند. موقعیت جغرافیای شام از لحاظ راه ارتباط دریایی و خشکی، حاصلخیزی زمین، وجود بازرگانان، تجار، فاتحان از نواحی مختلف، رطوبت نسبی هوا، وجود اراضی کشاورزی در مجاورت منازل در گسترش طاعون در این منطقه نقش زیادی داشته است.

عامل دیگر طاعون زایی منطقه شام، گستردگی ارتباط این منطقه با مصر بود. این منطقه همواره در خطر تهدید طاعون قرار داشت و در کنار و با، طاعون از بیماری‌های شایع در مصر به شمار می‌آمد؛ این مسئله شام و شهرهای مختلف آن را در معرض خطر دائمی قرار می‌داد. در طاعون شایعی که در سال ۷۴۹ ه.ق. در مصر همه‌گیر شد به شام رسید و در حلب روزانه تا پنج هزار نفر را کشت (۵۳).

مانند طاعون دیده نشده و بروز این همه‌گیری بیشتر ناشی از عوامل طبیعی، و موقعیت جغرافیایی بوده است.

طاعون در مناطقی از جهان خیزش داشت که شامل: بخش‌های از آفریقا، قسمت‌های از آسیا، بخش‌های از آمریکا جنوبی، نواحی معتدل آمریکای شمالی و قسمت‌های زیادی از اروپا است. در آسیا طاعون بیشتر در حوزه قفقاز، شرق ترکیه، شمال غربی ایران و در شرق دور نیز بیشتر در شمال شرقی چین، مناطقی از افغانستان، شمال غربی هند، حوزه خلیج فارس و دریای عمان بروز می‌یافت (۴۹)؛ بنابراین طاعون بیشتر در نواحی مرطوب و با رطوبت بالا رخ می‌دهد و مناطق ذکرشده نیز همگی یک ویژگی مشترک مبتنی بر رطوبت بالا را دارا هستند که شام نیز از جمله این نواحی محسوب می‌شود. این سرزمین از آب‌وهوای مدیترانه‌ای برخوردار است و آب هوای مدیترانه‌ای به دلیل رطوبت بالا و نزدیکی مراکز سکونت به مزارع و زمین‌های حاصلخیز و نواحی پر آب و دلتایی در انتقال بیماری طاعون مؤثر بوده است. برای مثال حمدالله مستوفی اعتدال هوا و خاک اصفهان را دلیل بر بروز کمتر طاعون در آنجا می‌داند (۵۰). بنابراین طاعون در مناطق مرطوب به سرعت گسترش می‌یابد و وجود رودخانه‌ها، جاده‌ها و سواحل سبب سرعت گسترش طاعون می‌شود علاوه بر هوا جوندگان، کک و انسان باعث انتقال این بیماری می‌شوند (۵۱).

همچنین ساختار شهری و روستایی در گسترش بیماری طاعون مؤثر بوده است. وجود زباله‌ها و فاضلاب‌های خانگی و لاشه‌های حیوانات در مناطق شهری و روستایی شرایطی مناسبی را برای جذب حیواناتی چون موش‌ها فراهم می‌کرد. موش‌ها خود از عوامل انتقال طاعون بودند. همچنین وجود خانه‌هایی با ساختار چوب زمینه را برای حضور حیوانات،

## نتیجه گیری

طاعون از جمله بیماری‌های واگیردار در گستره تمدن اسلامی بوده است. در این میان سرزمین شام به‌طور مکرر، با شدت و آسیب بیشتری نسبت به مناطق دیگر سرزمین‌های اسلامی همراه بوده است. از دلایل بروز طاعون در سرزمین شام شرایط آب‌وهوایی و رطوبت زیاد، ارتباط تجاری با نواحی مختلف، موقعیت ساحلی بسیاری از مناطق شام و ساختار شهری متراکم و آسیب‌پذیر آن منطقه بوده است. در نتیجه‌ی بروز طاعون‌های مکرر در سرزمین شام بسیاری از شخصیت‌های برجسته فتوحات اسلامی در گذشته‌اند.

دیدگاه‌ها پیرامون بروز طاعون در شام نشان‌دهنده آن است که برخی مسلمانان در قرون اول و دوم هجری طاعون را از یک‌سو برای مؤمنان مایه آموزش گناهان و رحمت الهی می‌انگاشتند و از سوی دیگر مایه عذاب و عقوبت گناهان مرتکب شده، می‌دانستند. نتایج این تحقیق نشان دهند در قرن اول هجری بروز طاعون در منطقه شام چشمگیر بوده است و این روند در قرون بعدی نیز ادامه داشته است. در دوره حکومت ممالیک مصر و یا دوره تسلط عثمانی‌ها بر مناطق شام، همواره شام و نواحی اطراف آن آلوده به طاعون بوده است.

## تعارض منافع

نویسندگان مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشند.

## منابع

1. Jaladat AM, Mostafavi E. Diagnosis, treatment and reports of plague outbreaks during Islamic civilization. *Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine (JIITM)*. 2017; 8(2):223-230. [in Persian].
2. Zare F, Mosavat SH, Attarzadeh F, Jaladat AM. Plague in tradition Persian medicine and modern medicine. *Journal of Medical History*. 2018; 9(32):85-95. [in Persian].
3. Fazlinejad A. Epidemics of Plague in the Eastern Mediterranean and its reflection in Muslim historiography and thought in the early Islamic period. *Philosophy of Science*. 2021; 11(21):139-167. [in Persian].
4. Karimabadi FS. Intellectual-cultural and social interactions between Muslims and Christians during the Bani-Umayyad period in Shamat region (41-132 AD). [Master Thesis]. Shiraz University Faculty of Literature and Humanities, 2009. [Persian]. Available from: <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/ecdlab9b9e271882ac72f9327ae82d7c>.
5. Gharchanloo H. [Historical geography of Islamic countries]. Tehran: Amirkabir; 2012, Vol 1. [in Persian].
6. Hurani A. *Tarikh Mardman Arab*. Translated by Jawaher Kalam F. Tehran: AmirKabir; 2005. 47.
7. Zidane G. *History of Islamic Civilization*. Translated and illustrated by Jawaher Kalam A. Tehran: AmirKabir Publishing House; 2005. 27.
8. Al-Khuri I. *Tarikh Homs*. Qom: Maktab Al Mustafa; 1940, Vol 1. 14.
9. Ibn 'Atham al-Kufi A. *Al fotooh*. Translated by Mustofi Harwi M. Investigation Tabatbaei Majd Gh. Tehran: Islamic Revolution Publication and Education; 1992. 84.
10. Markaz Karafarini shakhes Pajhooh. [A review of the history of epidemics and their economic effects on societies]. Sixth year entrepreneurship index. Number 20. 2021. 99. [in Persian].
11. Saebi E. [Infection disease in Iran: Bacterial disease]. Theran: Rosbehan publications; 1966: 503-520. [in Persian].
12. Tajbakhsh H. [History of veterinary medicine and Iran]. Tehran: Tehran University Publications; 2015. 377. [in Persian].
13. Tuluzan J D. [The date of the appearance of the plague in Iran is in different years. Miraz Aligli 1292 A.H]. Published in Iran newspaper from number 240 on 18 Dhu al-Qadah 1391 to number 253 on 12 Rabi' al-Thani 1392. Prepared and organized by the National Library of Iran. Tehran: The National Library in collaboration with the Center for Media Studies and Research; 1996. Number 241. 963. [in Persian].
14. Savji, MM. [Dastoor Al Atteba Fee Al Taoun Va Al Vaba. Lithography]. Number 254305. Majlis Library; Aban .1852. 183-184. [in Persian].
15. Sarmadi M. [Research on the history of medicine and treatment up to the present era]. Tehran: Sarmadi; 1999. 210-211. [in Persian].
16. Jorjani E. [Zakhireh Kharazmshahi]. Tehran: Safir-e-Ardahal; 2016. 260-263. [in Persian].
17. [The Center for education and research of the council's library]. Ganjine-ye-Baharstan. Tehran: The center of documents of Iran; 2007.155, 502, 508, 511, 538, 548. [in Persian].
18. Ibn Sina H. [Al-Qanun Fi'l-Tibb]. Beirut: Ezzoddin; 1987. 1922-1923. [in Arabic].
19. Tabari M. [Trikh Al-Rosol Va Al-Moluk], Fifth Edition. Translated by payende A. Tehran: Asatir. 1996; Vol 2. 229, Vol 5. 1870 - 1871. Vol 4. 60-62. [in Persian].
20. Birouni A. [Asar Al-Baqiyah]. Translated by Dana Seresht A. Tehran: Amirkabir; 2007. 165. [in Persian].
21. Stathakopoulos D. *Crime and Punishment. The Plague in the Byzantine Empire. 541-749*. in: *Plague and the end of Antiquity*. The

- pandemic of 541- 750. Edited by Lester K. Little. Cambridge University Press. 2006: 99-118. DOI: <https://doi.org/10.1017/CBO9780511812934.008>.
22. Procopius, History of the Wars. Books I and II. Translated by H.B. Dewing. Loeb Classical Library 48. Cambridge, MA: Harvard University Press, 1914. 80.
  23. Lester K. Little. Life and Afterlife of the First Plague Pandemic, in: Plague and the end of Antiquity, The Pandemic of 541–750. Edited by Lester K. Little. Cambridge University Press. 2006: 3-32.
  24. Dols M. Plague in Early Islamic History. Journal of the American Oriental Society. California State University, Hayward, California. 1974; 94(3): 371-383.
  25. Ibn Athir, A. The complete history of Islam and Iran. Translated by Halat A, Khalili A. Tehran: Scientific Press Institute: 1992. Vol 2. 558. Vol 8. 162. [in Persian].
  26. Ibn Kathir [al-Badayeh Va Al-Nahayeh]. Beirut: Dar al-Fikr; 1986, Vol 7. 93. [in Arabic].
  27. Ibn Abolbar, Yusuf Ibn Abdullah. [Al-Isti'ab Fi Marefat al Ashab, Beirut: Dar al-Jail; 1991, Vol 2. 699. [in Arabic].
  28. Ibn Hajar Asghalani. [Al-Esaba Fi Tamiz Al-Sahaba]. Researched by Moavez A, Abdul Mawjoud A. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elmiya; 1995. Vol 3. 98, 438. Vol 1. 219, 354, 437, 486. Vol 3. 56. [in Arabic].
  29. Ibn Sad M. [Al-Tabaqat al-Kubra]. Researched by Ata M. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elmiya; 1989. Vol 1. 215, 408. [in Arabic].
  30. Razi M. Mansouri Fi Al-Teb. Koveyt: Almonazzam Alarabiye; 1987. 225. [in Arabic].
  31. Zahbi M. [Tarikh Al- Islam va Vafiat Al-Mashahir Val-Alam]. Researched by Tadmari O. Second Edition. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi; 1989. Vol 6. 25.
  32. Ibn Qutaybah A. [Al-Ma'arif]. Researched by Akkasheh S, Second edition, Egypt: Al-Heyata Al-Mesriyah Al-ama Al-kitab; 1992. 601-602. [in Arabic].
  33. Yaqubi A. [Tarikh al-Yaqubi]. Beirut: Dar Sader; 891. Vol 2. 328. [in Arabic].
  34. Ibn Faqih A. [Al-Boldan]. Researched by Hadi Y. Beirut: Alam al-Kitab; 1996. 167, 311. [in Arabic].
  35. Yaqut Hamvi. [Moajam Al- Boldan]. Second edition, Beirut: Dar Sader; 1995. Vol 4. 95. [in Arabic].
  36. Al Koleyni M. [Al-Kafi]. Researched by Ghaffari AA, Akhoundi M. Fourth edition, Tehran: Islamic Library; 1996. Vol 15. 463. [in Arabic].
  37. Ibn Battuta Sh. [Al-Rahla]. Sixth edition. Tehran: Agha; 1997. Vol 1. 137-8. [in Arabic].
  38. Eini B. [Eghd Al-joman Fi Tarikh Ahl Al-zaman]. Corrected by Amin M. Cairo. Dar al-Kitab Va Al-Wasa'iq Al-Qumiya; 2010. Vol 1. 187-188. [in Arabic].
  39. Ibn Taghri Bardi J. [Al-Nojoun Al-Zahereh Fi Molouk Mesr va Al-qahrreh]. Corrected by Shaltout FM, Shayyal J. Cairo: Vezarat Al-Seghafah Va Al-Ershad Al-Ghumi; 2013. Vol 13. 178. Vol 14. 337. [in Arabic].
  40. Ibn Iyas, M. [Bada'i al-Zohour Fi Vaghae Al-Dohoor]. Researched by Mustafa M. Cairo: Al- Heyat Al-Mesri Al- Amat Al-Kitab; 1984. Vol 4. 295. Vol 3. 200. [in Arabic].
  41. Majlesi MB. [Social etiquette]. Translated by Kamraei MB. Vol 16. Sea of Lights. Edited by Beheshti M. Tehran: Islamic Bookstore; 1985. Vol .2. 15. [in Persian].
  42. Majlesi, MT. [Lavame Sahibgharani Al-Mashtaher Be Sharh Al-Faqih]. Qom: Esmaileam; 1993. 511. [in Arabic].
  43. Turkaman E. [Tarikh-e Alam Ara-ye Abbasi]. Ersearcher by Afshar I. Tehran: Amir Kabi; 2003. Vol 3. 1021-22. [in Persian].
  44. Jazayeri SN. [Maskan Al-Shojoun Fi Hokm

- Al-Farar Men Taoun]. Library of the Islamic Consultative Assembly. Document number 10 – 4247.nd. [in Arabic].
45. Zare Bidaki M, Balalimood M. Bioterrorism and Biological Warfare, from Past to the Present: A classic review. *J Birjand Univ Med Sci* 2015; 22 (3) :182-198.
46. Robertson AG, Robertson LJ. From asps to allegations: biological warfare in history. *Military medicine*; 1995 Aug 1; 160(8):369-73.
47. Wheelis M. Biological warfare at the 1346 siege of Caffa. *Emerging infectious diseases*; 2002 Sep. 8(9):971.
48. Kasper D, Fauci A, Hauser S, Longo D, Jameson J, Loscalzo J. *Harrison's principles of internal medicine*. 19 edition. New York, NY, USA: Mcgraw-hill; 2015.
49. Fazlinejad A. Factors and consequences of the spread of the black death (Great Plague of The Middle Ages) in Iran (Eighth and Ninth Century AH/Fourteenth and Fifteenth Century AD). *Journal of Research on History of Medicine*. 2015 Nov 1; 4(4):211-24.
50. Mostowfi Qazvini H. [Nozhat Al-Qolub]. Corrected by Dabir Siaghi M. First Edition. Qazwin: Hadis Emrooz; 2002. 90. [in Persian].
51. Beheshti A. A Plague spreads rapidly in humid climates. [Cited February 2014]. Available from: <https://www.isna.ir/news/92120502832>.
52. Hamadani R. [Tarikhi Mobaraki Ghazani (History of Ghazan)]. Corrected by Karl Yan. Abadan: Porsesh; 2009. 205. [in Persian] .
53. Hata Ph. [Tarikh Arab]. Translated by Payende A. Tehran: Informed. 1987. 862-861. [in Persian].

## ***Plague in the Sham in Islamic Civilization (from the Beginning to the End of the Umayyads Period)***

Zeinab Karimi\*<sup>1</sup>, Shokrollah Khakrmd<sup>2</sup>, Masoumeh Dehghan<sup>3</sup>

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education. Faculty of Theology and Islamic Studies. Allameh Tabataba'i University. Tehran. Iran.

2. Associate Professor and Faculty Member of Shiraz University, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

3. Associate Professor and Faculty Member of Shiraz University, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

**Received:** 28 June 2023

**Accepted:** 22 January 2024

**Published:** 19 March 2024

### **\*Corresponding Author**

**Zeinab Karimi**

**Address:** Shahid hemt Highway (West), Olympic Village, Sports Square, Faculty of Theology and Islamic Studies of Allameh Tabataba'i University.

**Postal Code :** 1489684511

**Tel:** 98 21 48 39 00 00

**Email:** [zeinabkarimi@atu.ac.ir](mailto:zeinabkarimi@atu.ac.ir)

### **Citation to this article:**

Karimi Z, Khakrmd SH, Dehghan M. Plague in the sham in Islamic Civilization (From the beginning to the end of the Umayyads period). *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2024; 16:Article number: 22

### **Abstract**

The spread of epidemic diseases has always been one of the important issues in the scope of Islamic civilization. The history of the plague epidemic dates back to ancient times. So that the outbreak of the plague known as Justinian Plague in the late ancient period and its transfer to the Islamic period. Muslims in the conquered lands. Facing new issues. Therefore, plague is one of the deadliest infectious diseases. In the geographical scope of Islamic civilization, it has been that in the early Islamic centuries. It has caused damage to the social, economic and even intellectual and cultural structure of the Islamic society. The land of Sham has been one of the most plague-prone regions of Islamic civilization that repeatedly and consecutively. And it happened with many injuries. This research aims to investigate the plague in the Sham region during the Umayyad period (661-749AD). Also, examine the reasons for its occurrence and the beliefs surrounding the plague in this region. The investigations of this research show the geographical location of the Sham, its Mediterranean climate, and the location of the Sham on the trade routes. And the resulting changes. It has been influential in the occurrence and spread of the plague. The occurrence of the plague has also had important and interesting effects on the world view of Muslims. So that the plague was not considered an epidemic but as a result of divine mercy or divine punishment.

**Keywords:** Plague, Amvas, Sham, Islamic civilization, Contagious diseases, Umayyads.

